

ترجمه قرآن مجید بقلم آقای ابوالقاسم پاینده

— ۵ —

۶۷ و ۶۸ - در صفحه ۲۵۵ سطر ۲۰ و ۲۱ در ترجمه آیه شریفه: « یا ایها الذین آمنوا لاتکونوا کالذین آذوا موسی فبراه الله ما قالوا واکان عندالله وجها »؛ و ضبط از این نوع روی داده است؛ یکی در ترجمه عبارت « لاتکونوا کالذین آذوا موسی » که نوشته شده است: « چون آنکسان میباشید که موسی را آزار کردند ». و خوشبختانه در طبع دوم این ضبط جبران و اصلاح شده است. دیگر در ترجمه عبارت: « ما قالوا » که نوشته اند: « از آنچه گفته » و میبایستی بگوید « از آنچه گفته اند » و این اشتباه در طبع دوم نیز رفع نشده و باقیمانده است!

تذکار: در صفحه ۲۵۷ سطر ۴ از پائین صفحه کلمه « لاتستقدمون » از جمله قرآنی، « لاتستأخرون عنه ساعة ولا تستقدمون » بصورت « جلو تر نمیشوند » ترجمه شده و در طبع دوم هم التفاتی باصلاح و تصحیح آن نکرده اند و مسلم است که این اشتباه غفلتی است از حروف چین مطبعه، زیرا کلمه « لاتستأخرون » در همین سیاق درست ترجمه شده و بمیداست که قلم مترجم تفاوتی در ترجمه دو فعل که متوالیاً در یک سیاق و یک صورت قرار دارند بگذارد. و بهر حال، این غلط هم البته باید ضمن سایر اصلاحات ملحوظ گردد. والله المستعان.

۶۹ - در ذیل صفحه (۲۵۹) آیه شریفه « ان الشيطان لکم عدو فاتخذوه عدوا انما یعدوا حزبه لیکونوا من اصحاب السعیر » باین عبارت ترجمه شده است: « حقا که شیطان دشمن شما است شما نیز او را دشمن گیرید که دسته شیطان فقط دعوت میکنند که اهل آتش سوزنده باشید ».

در این ترجمه دو و بلکه سه فقره اشتباه مشهود است و هر سه مربوط بترجمه جمله « انما یعدوا حزبه لیکونوا من اصحاب السعیر » میباشد، زیرا اولاً (فاعل) فعل « یدعو » که « ضمیر مفرد » راجع به « شیطان » است « اسم ظاهر » و « جمع » گرفته شده و در ترجمه گفته اند: « دسته شیطان فقط دعوت میکنند ». ثانیاً لفظ « حزب » با وجود علامت « نصب » آشکاری که بر سر دارد و « مفعول به » جمله است (فاعل) تلقی گردیده و از اینکه (فاعل) باید « مرفوع » باشد غفلت شده است. ثانیاً و بالاخره فعل « یکنونوا » در عبارت: « لیکونوا من اصحاب السعیر » را که جمع معایب است بصورت جمع مخاطب معنی کرده و در ترجمه جمله چنانکه دیدیم گفته اند: « که اهل آتش سوزنده باشید ».

۷۰ - در صفحه (۲۶۳) سطر ۱۲ آیه شریفه « قالوا ربنا یعلم اننا لیکم لمرسلون » چنین ترجمه شده است: « گفتند پروردگارتان میداند که ما پیغام آوران شمائیم »، و در این ترجمه چنانکه

ملاحظه میفرمائید ضمیر متکلم مع الغیر در «ربنا» بصورت **جمع مخاطب** در آمده است (۱)
 ۷۱ - ایضاً در همین صفحه سطر ۲۱ ضمن ترجمه آیه شریفه «ومالی لاعبدالذی فطرنی ووالیه
 ترجمون» فعل «ترجمون» که جمع مخاطب است بصورت متکلم وحده معنی شده و در ترجمه آیه
 نوشته اند: «برای چه خدائی را که ایجاد کرده و بسوی وی بازگشت مییابم عبادت نکنم» .
 ۷۲ - و نیز در همین صفحه سطر ۲۲ ضمن ترجمه آیه شریفه: «أتخذ من دونه آلهة ان
 یردنی الرحمن بضر لاتعن عنی شفاعتهم شیئاً...» کلمه «اتخذ» واقع در صدر آیه که متکلم وحده
 است متکلم مع الغیر تلقی شده و «بگیریم» ترجمه گردیده است .

۷۳ و ۷۴ - در صفحه (۲۶۴) سطر ۳۳ ضمن ترجمه آیه شریفه: «فالیوم لاتنظم نفس
 شیئاً ولا تجزون الا ما کنتم تعملون» دو بلکه سه خط از این نوع مشهود است:
 اول در معنای عبارت «لاتجزون» دوم و سوم در تعبیر از جمله «ما کنتم تعملون» که هر
 سه صیغه «تجزون» و «کنتم» و «تعملون» که جمع مخاطب اند جمع مغایب گرفته شده اند .
 اینک ترجمه تمام آیه چنانکه بر قلم مترجم جاری گردیده است: «امروز کسی بهیچوجه
 ستم نمی بیند و جز در قبال اعمالیکه «میکرده اند» سزا نخواهند دید» .

۷۵ - و از همین نوع اشتباهات غیر مترقب است آنچه در صفحه (۲۶۵) سطر ۶ در ترجمه
 عبارت: «فاستبقوا الصراط» جزء آیه شریفه: «ولو نشاء لطمسنا علی اعینهم فاستبقوا الصراط
 فانی بیصرون» روی داده و نوشته اند: «[وگوئیم] سوی صراط بدوید» .

در این ترجمه بدون التفات بصورت مشکول و معرب کلمه، فعل جمع غایب از صیغه ماضی
 اعنی «استبقوا» بفتح «باء» بجای صیغه جمع «امر حاضر» یعنی «استبقوا» بکسر «باء»
 گرفته شده و چون سیاق عبارت از این ترجمه ابا داشته و معنی مربوط بنظر نیآمده است عبارت
 «وگوئیم» را بین دو قلاب بر ترجمه افزوده و رابطه معنی قرار داده اند!

۷۶ - و نیز در همین صفحه سطر ۳۸ ضمن ترجمه آیه شریفه:
 «اولیس الذی خلق السموات والارض بقادر علی ان یخلق مثلهم...» ضمیر در «مثلهم»
 که راجع به جماعت منکرین «معاد» است بالفظ «آن» به مفهوم «السموات والارض» ارجاع شده
 و ترجمه تمام آیه باین عبارت در آمده است: «مگر آنکه آسمانها وزمین را آفرید نتواند مانند
 آن بیافریند...»

۷۷ - و از غفلتهای غریبه است آنچه در ترجمه آیه شریفه:
 «ان هذا اخی له تسع وتسعون نعجة ولی نعجة واحدة...» واقع در ذیل صفحه ۲۷۰ میخوانیم:
 «این برادر من است نود و **دو** میش دارد و من یک میش دارم...» و عجیب این است که در طبع
 دوم هم باین غفلت التفات نشده و همچنان بر حال خود مانده است!

۷۸ - در صفحه ۲۷۳ سطر ۶ ضمن ترجمه آیه شریفه:
 «ولتعلمن نباء بعدحین» . فعل «لتعلمن» که **جمع** مخاطب مؤکد به «نون» تکیه است و
 ضمه «میم» آن در قرآن مترجم مانع از اشتباه مییابد، مفرد مخاطب تلقی شده و در ترجمه آن
 نوشته اند «خواهی دانست» .

(۱) در ترجمه این آیه شریفه نکته و بلکه نکات انتقادی دیگری نیز هست که در فصل
 جداگانه بدان اشاره خواهد شد . انشاء الله . فرزانه

۷۹ - لغزشی هم که در ترجمه عبارت « یوم تولون مدبرین » واقع در آیه ۳۳ از سوره مبارکه « مؤمن » در صفحه ۲۸۰ بر قلم ترجمه روی داده و نوشته است :

« روزیکه بازگشت کنان **پستان آرفند** » از همین نوع شمرده میشود زیرا ظاهر آمله قلم اشتباه (صرفی) است که فعل « تولون » را **مضارع مجهول** گرفته و عبارت را بصورت و معنایی که خواندیم و نفهمیدیم در آورده است .

۸۰ - در صفحه ۲۸۱ سطر ۸۹۷ ضمن ترجمه آیه شریفه ۴۶ از سوره مبارکه « مؤمن » نیز خط مهمی مشهود است ، باین معنی که جمله : « ادخلوا آل فرعون اشد العذاب » که جمله ای است انشائی و باید چنین ترجمه میشد : « فرعونیان را بسخت ترین عذاب درون برید » بصورت اخباری و چنین ترجمه شده است :

« فرعونیان را بسخت ترین عذاب درون برند » .

۸۱ - در ذیل صفحه ۲۸۲ ضمن ترجمه آیه شریفه : « فاصبر ان وعد الله حق .. » الی قوله تعالی ، « فالینا یرجعون » فعل « یرجعون » که جمع غایب است جمع **حاضر** تلقی شده « بازگشت مییابید » ترجمه گردیده است . (۱)

۸۲ - در صفحه ۲۹۱ سطر ۱۹۱۸ آیه شریفه : « والذی نزل من السماء ماء بقدر فأنشربنا به بلدة میتا کذلک تخرجون » ، باین عبارت ترجمه شده است : « همانکه از آسمان آبی نازل کرد و دیار موتی را بدان زنده کرد شمانیز چنین [از گورها] برون میشود » ، و در این ترجمه گذشته از موارد ضعف و مسامحات دیگر که تعرض بآن را برای فصل و فرصت دیگری میگذارم ، یک فقره اشتباه از همان سنخ نوعی که مورد بحث فعلی است روی داده و کلمه انشربنا که جمع متکلم و باصطلاح متکلم مع الغیر « میاشد بعبارت : « زنده کرد » یعنی « مفرد معایب ترجمه شده است .

۸۳ - در صفحه ۲۹۵ سطر ۲۹ ضمن ترجمه آیه شریفه : « فاسر بعبادی لیلانکم متبعون » عبارت « انکم متبعون » چنین ترجمه شده است : « که تعقیبشان میکنند » آنچه فعلا در این ترجمه ملحوظ است تغییر ضمیر جمع مخاطب « کم » است بضمیر جمع معایب « شان » که در طبع دوم جبران شده است . والله المستعان .

۸۴ - در صفحه ۲۹۷ سطر ۹۰۸ عبارت کریمه :

« فبای حدیث بعد الله و آیاته یؤمنون » را چنین ترجمه کرده اند : « غیر خدا و آیهای او کدام گفتار را **باور** میکنید » . ولایخفی ما فیہ .

تذکار . غفلتی را هم که در صفحه ۳۰۰ سطر ۲۰ ضمن ترجمه عبارت قرآنی : « اولئک اصحاب الجنة » روی داده و نوشته اند « آنها اهل **جهنم**ند » هر چند سهوالقلمی بیش نیست در تصحیح ترجمه مورد انتقاد نباید از نظر دور داشت و عجب دارم که چگونه در طبع دوم نیز باین خط تند بر نخورده و همچنانش باقی گذاشته اند !

۸۵ - دیگر از اشتباهات عمده مربوط باین فصل آنی است که در صفحه ۳۱۳ سطر ۲۴ در ترجمه آیه شریفه : « یوم یدعون الی نار جهنم دعا » دیده میشود که نوشته اند : « روزیکه سوی آتش جهنم شان بخوانند » .

(۱) این غلط در طبع دوم تدارک و اصلاح شده است . فرزاد

منشأ این اشتباه ظاهراً این است که فعل « **یدعون** » و مصدر « **دعا** » را که باصطلاح صرفی « **مضاعف** » از ماده « **دعع** » است و بمعنی راندن به عنف و رفع کردن بشدت میآید **ناقص واوی** از ماده « **دعو** » تلقی کرده و « خواندن » و دعوت کردن ترجمه نموده‌اند؛ ۸۶ - در صفحه ۳۱۷ سطر ۸ و ۷ آیه شریفه: « **تجری باعیننا جزاء لمن کان کفر** » چنین ترجمه شده است: « که بمراقبت ما روان بود و طوفان جزای کافران بود »؛ و این ترجمه از چند جهت مغشوش و محدودش بنظر میآید، زیرا:

اولاً کلمه « **طوفان** » بیجا و بی‌مجاها در ترجمه راه یافته و حرف عطف « **واو** » را بفلط باخود همراه ساخته است!

ثانیاً کلمه « **جزاء** » که در معنی متعلق به **نوح نبی** و در ترکیب نحوی « **حال** » برای فاعل فعل « **تجری** » و **با مفعول لاجله** برای « **حملنا** » فی‌قوله تعالی: و حملناه علی ذات الواح و دسر» میباشد « **جزای کافران** » خوانده شده است!

ثالثاً و بالاخره کلمه « **کفر** » در آخر آیه شریفه که **ماضی مجهول** از مصدر « **کفران** » و ضمه فاعل و کسره عین‌الفعل آن در نسخه مصحح مورد ترجمه گواه ناطق و صادق آن است **ماضی معلوم** تلقی گردیده است!

۸۷ - در سطر آخر صفحه ۳۲۳ در ترجمه آیه شریفه:

« **ولایکونوا کالذین اتوا الکتاب من قبل فطال علیهم الامد** » نوشته‌اند: « و چون آنکسان که از پیش کتابشان داده‌اند **فباشید** که مدتشان دراز شد... » و غرابت و غفلت در ترجمه عبارت « **لایکونوا** » است به « **نباشید** » کاملاً بیغنی!

۸۸ - در سطر اول و دوم از صفحه ۳۲۷ ضمن ترجمه آیه شریفه:

« **اعدالله لهم عذاباً شدیداً انهم ساء ماکانوا یعملون** » عبارت « **ساء ماکانوا یعملون** » چنین ترجمه شده است: « **عملهایی که هیچکند بد است** » و در این ترجمه گذشته از غفلت در مفهوم « **زمان** » فعل که ماضی است و به « **حال** » نقل شده است و ضمیر جمع غایب در « **کانوا** » و « **یعملون** » به جمع مخاطب حاضر تبدیل یافته است!

۸۹ - از غفلتهایی که هیچ محملی جز شتاب زدگی در ترجمه و حواس پرتی در تصحیح آن را برنمیدارد ترجمه جمله خطابی متداول قرآنی « **یا ایها الذین آمنوا** » است در سطر ۲۴ صفحه ۳۳۰ عبارت: « **ای پیغمبر** »! که حتی در طبع دوم ترجمه هم تصحیح نشده است!

۹۰ - در ذیل صفحه ۳۳۲ و صدر صفحه ۳۳۳ در ترجمه عبارت کریمه « **عالم الغیب و الشهادة** » از آیه شریفه: « **قل ان الموت الذی تفرون منه فانه ملائیکم ثم تردون الی عالم الغیب و الشهادة** .. الخ » عین همان لغزش شگفت آوری را که دو نوبت دیگر هم در ضمن این یادداشتها از آن یاد کرده‌ایم میبایم که نوشته‌اند: « **آنگاه بعالم غیب و شهود برده شوید** »!!

و الله العاصم و هو المستعان.

۹۱ - و نیز در صفحه ۳۳۳ سطر ۱۵ لغزش لغوی دیگری برای قلم مترجم روی داده است که لفظ « **ایمان** » واقع در آیه شریفه: « **اتخذوا ایمانهم جنه** .. الخ » را که به فتح همزه و جمع « **بیین** » بمعنی « **سوگند** » است ظاهراً « **ایمان** » بکسر همزه گرفته و عبارت صدر آیه را چنین ترجمه کرده است: « **ایمان خویش را چون سیری کرده‌اند** .. »!

- ۹۲ - در صفحه ۳۴۱ سطر ۹۰۸ عبارت کلام الله را که فرموده است : «ام لهم شرکاء» .
چنین ترجمه نموده و نوشته اند : «و یا شریکان دارید .»
- ۹۳ - در صفحه ۳۴۳ سطر ۲۷ آیه شریفه : « ان عذاب ربهم غیر مأمون » چنین ترجمه شده است : « که از عذاب پروردگارت ایمن نتوان بود » !
- ۹۴ - در سطر آخر صفحه ۳۴۸ آیه شریفه «فما تنفعهم شفاعۃ الشافعیین» چنین ترجمه شده است : « پس شفاعت شفیعیان سودمان نمیدهد » (۱)
- ۹۵ - در صفحه ۳۵۰ سطر ۵ از ذیل صفحه ، آیه شریفه :
« واذارایت ثم رأیت نعیماً وملکاً کبیراً » باین عبارت ترجمه شده است : « و چون بنگری و باز بنگری نعمت و سلطنت بزرگی است ، و همه نامفهومی و نامربوطی ترجمه ناشی از این است که لفظ « ثم » بفتح « ثاء » که ظرف مکان و زمانی « آنجا » است با « ثم » بضم « ثاء » که حرف عطف شمرده میشود اشتباه شده است !
- ۹۶ - در صفحه ۳۵۲ سطر ۲۱ در ترجمه آیه شریفه : « الذی هم فیہ مختلفون » نوشته شده است « همانکه درباره آن اختلاف دارید » !
- ۹۷ - ایضاً در همین صفحه سطر ۲۸ دو آیه شریفه متصل و متوالی :
« لنخرج به حبا و نباتاً » و « جنات الفافأ » باین عبارت یکسره ترجمه شده است : « تادانه و گیاه و باغهای انبوه بدان بر آید » ، مورد نظر فعلاً عبارت « بدان بر آید » است که در ترجمه عبارت « لنخرج به » آمده و نه فقط فعل « اخرج » که متعددی است بصورت « لازم » ترجمه شده بلکه صیغه متکلم مع الغیر به مفرد مقایب تبدیل گردیده است !
- ۹۸ - و باز در همین صفحه ضمن ترجمه آیه شریفه :
« یوم ینفخ فی الصور فتأتون افواجا » از همین نوع لغزش مشاهده میشود زیرا مینویسند :
« روزی که در صوردمند و گروه بیایند » و ناگفته پیداست که در این ترجمه فعل جمع مخاطب « تأتون » بصورت جمع مقایب « بیایند » در آمده است .
- ۹۹ - ترجمه ای هم که از کلمه « صاحبۃ » در آیه شریفه :
« و صاحبته و بنیه » ضمن صفحه ۳۵۴ سطر ۲۸ عبارت « همسران » شده و نوشته اند :
« و همسرانش و سرانش » از همان سنخ اشتباهات و همان قدر شگفت آور است که در نودونه مورد از موارد انتقادی این فصل دیده ایم و می بینیم !
- ۱۰۰ - در صفحه ۳۵۸ سطر ۱۱ و ۱۲ کریمه : « بل تؤثرون الحیوة الدنیا » چنین ترجمه شده است : « مشرکان زندگی دنیا را ترجیح میدهند » و در این ترجمه آوردن اسم ظاهر « مشرکان » بجای ضمیر مخاطب در « تؤثرون » مجالی برای مجامله و محملی برای مسامحه و مساهله باقی نمیگذارد. والله الموفق للصواب و علیه التکلان .